

تحلیل «اقتصاد سیاسی مقاومتی» در چارچوب نظریه «اقتصاد ملی فردریک لیست»

محمدجعفر جوادی ارجمند^{۱*}، علی علیزاده^۲

^۱ دانشیار، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

^۲ دانش‌آموخته دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران

چکیده

«اقتصاد سیاسی مقاومتی» که ریشه در اندیشه‌های اقتصادی رهبران انقلاب اسلامی و قانون اساسی ایران دارد، توجه تحلیلگران اقتصاد سیاسی را جلب کرده است. یکی از اهداف این پژوهش پاسخگویی به دو پرسش است: ۱. مهم‌ترین مؤلفه و ویژگی‌های اقتصاد سیاسی مقاومتی ایران در چارچوب نظریه اقتصاد ملی فردریک لیست کدام است؟ ۲. چگونه توسعه مبتنی بر اقتصاد مقاومتی بر قدرت ملی و رفاه عمومی تأثیرگذار خواهد بود؟ در چارچوب نظریه اقتصاد ملی، مؤلفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی شامل آداب و رسوم اجتماعی، شرایط خاص تاریخی کشور و ملت، قوانین، کارکرد و تکامل نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی‌اند. در فرضیه استدلال می‌شود که ارتقای بنیه تولید ملی برای افزایش کیفیت زندگی مردم، و توان رقابت اقتصادی به‌عنوان دو هدف مهم سیاست‌های توسعه مبتنی بر اقتصاد سیاسی مقاومتی به افزایش رفاه عمومی و قدرت ملی منجر می‌شود. این مطالعه کیفی با رویکردی نهادی در چارچوب نظریه اقتصاد لیست، و با استفاده از ارزیابی یافته‌های سایر پژوهشگران در زمینه تحلیل مفهومی پایداری اقتصاد، تاب‌آوری اقتصادی، توسعه پایدار و نیز پیامدهای سیاست‌های اقتصادی موفق در سایر کشورها، و تحلیل کیفی مواضع و دیدگاه‌های اقتصادی رهبران ایرانی به این نتیجه می‌رسد که در فرایند نهادسازی اقتصاد مقاومتی، تأکید بر دو سیاست (الف، درون‌زایی و خوداتکایی اقتصادی با استفاده از ظرفیت‌های بومی و ملی برای تولید، به موازات توجه به فرهنگ اقتصادی اسلامی، و ب، برون‌گرایی تعاملی همگرایانه اقتصادی برای رونق تجارت و صادرات تولید داخلی)، به افزایش رفاه ملی و ارتقای قدرت ملی در عرصه بین‌المللی می‌انجامد.

واژگان کلیدی: ایران، اقتصاد سیاسی مقاومتی، بنیه تولید ملی، پایداری اقتصاد، خودکفایی.

* نویسنده مسئول، رایانامه: mjjavad@ut.ac.ir

تاریخ دریافت: ۲۵ دی ۱۳۹۶، تاریخ تصویب: ۳ آبان ۱۴۰۰

۱. مقدمه

در ایران همزمان با وقوع انقلاب اسلامی این اندیشه در اذهان شکل گرفت که انقلاب ایران به کدام جریان جهانی وابسته خواهد بود؟ آیا از لحاظ اقتصاد سیاسی، خط سرمایه‌داری غرب یا خط غیرسرمایه‌داری و سوسیالیستی شرق انتخاب می‌شود؟ (احمدی امویی، ۱۳۸۲: ۱۰). مسائل اقتصادی-اجتماعی در دوره نخست پس از انقلاب اسلامی بر اثر تحولات داخلی، منطقه‌ای و جهانی ابعاد پیچیده به خود گرفت و در عین حال فرصت برنامه‌ریزی اقتصادی برای دولت و بخش خصوصی را برای افزایش تولید و رشد اقتصاد ملی به تعویق انداخت. یکی از دغدغه‌های همه دولت‌های پساانقلاب، رسیدگی به وضعیت تولید ملی صنعتی و بومی، سرمایه‌گذاری و اشتغال‌زایی بوده است. تولیدمحوری مستلزم دامنه وسیعی از امکانات و تمهیدات نهادی است که به گواه شواهد تاریخی، تنها بخش اندکی از دولت‌ها در جهان ترجیح داده‌اند که از کانال تولیدمحوری منافع خود را افزایش دهند. برای عبور از دور باطل توسعه‌نیافتگی و وارد شدن به مدار توسعه، ساختار نهادی کشور باید تولیدمحور شود.

از سوی دیگر، ضرورت‌های واکاوی ریشه‌های اقتصادی انقلاب اسلامی حکم می‌کند که اهمیت تاریخ و معرفت تاریخی درک شود. در قلمرو مطالعات اقتصادی، سه رویکرد مهم برای بررسی سیر تاریخی این پژوهش‌ها وجود دارد: ۱. رویکردی عمومی که تنها به علم اقتصاد اختصاص ندارد و نگرش به تاریخ، چراغ راه آینده و مورد توجه دولت‌ها و جوامع است؛ ۲. رویکرد «شومپتری»^۱ به اقتصاد، که از سوی جوزف شومپتر اقتصاددان مطرح شد. وی در پاسخ به این پرسش که «در این عصر جدید، علاقه داری در چه حوزه‌ای کار علمی انجام دهی؟»، قاطعانه بیان کرد که به تاریخ اقتصادی توجه خواهد کرد، زیرا تاریخ، عمق و گستره دانایی انسان را برای شناخت واقعیت‌ها افزایش می‌دهد؛ ۳. رویکرد نهادگرایی که بالاترین بیان منزلت و اهمیت تاریخ در میان اقتصاددانان است و به تبیین ریشه‌های تداوم توسعه‌نیافتگی در جوامع گوناگون می‌پردازد (مؤمنی، ۱۳۹۴: ۲۳۷-۲۳۶).

در این پژوهش با رویکردی نهادی، از چارچوب مفهومی اقتصاد ملی مکتب تاریخی^۲ فردریک لیست^۳ برای تبیین اقتصاد مقاومتی استفاده می‌شود. این نظریه بر پایه بنیه تولید ملی است، دارای بعد درون‌زا و در پی کاهش فشار خارجی بر اقتصاد داخل، توانمندسازی و استقلال ملی است، در نتیجه می‌تواند در تبیین و تحلیل اقتصاد سیاسی مقاومتی بسیار مفید و کارگشا باشد. در این پژوهش، تلاش شده است تا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود؟

۱. مهم‌ترین مؤلفه و ویژگی‌های اقتصاد سیاسی مقاومتی ایران در چارچوب نظریه اقتصاد ملی

1. Joseph Alois Schumpeter
2. National Economy of Historical School
3. Friedrich List

فردریک لیست کدام است؟ ۲. چه راهکارهای مؤثری برای رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی در ایران وجود دارد؟ ۳. چگونه توسعه مبتنی بر اقتصاد مقاومتی بر قدرت ملی و رفاه عمومی تأثیرگذار خواهد بود؟ در آغاز، به ویژگی‌های اقتصاد ملی از منظر لیست اشاره می‌شود، سپس اقتصاد سیاسی مدنظر رهبران انقلاب اسلامی و قانون اساسی بررسی می‌شود، و در ادامه اصول و ارکان اقتصاد مقاومتی در چارچوب اقتصاد ملی تحلیل می‌شود.

۲. پیشینه پژوهش

در زمینه اقتصاد سیاسی مقاومتی مطرح‌شده در ایران با رویکرد فردریک لیست، تاکنون مطالبی منتشر نشده، اما در مورد ابعاد مفهومی، ساختاری و عملکرد اقتصاد مقاومتی پژوهش‌هایی انجام شده است. به‌طور نمونه، در مقاله‌ای با عنوان «اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن» به دو مفهوم تاب‌آوری و پایداری اقتصادی اشاره شده، و دو مجموعه اقدام پیش از تاب‌آوری و مرحله پس از آن در راستای نهادینه شدن اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود (نوفرستی، ۱۳۹۵). دو پژوهشگر، اقتصاد مقاومتی را در چارچوب یک نظام رفتاری و در سه بعد مفهومی بررسی می‌کنند که شامل شناخت اقتصاد مقاومتی از راه مطالعه اهداف، ضرورت و راهکارها، و ابعاد مختلف (بعد ساختاری شامل جهت‌گیری راهبردی، طرح سازمانی و بستر فرهنگ، و بعد عملکردی شامل فعالیت‌های اصلی، اقدام‌های زمینه‌ساز و مداخله‌های عملکردی) می‌شود (ترک‌زاده و عبدشرفی، ۱۳۹۷). یکی دیگر از تحلیلگران با اتکا بر مفهوم بنیه تولید ملی که با اندیشه لیست همسویی دارد، و استفاده از رویکردی نهادی، به بررسی ادبیات توسعه می‌پردازد و به توافق عمومی در مورد رابطه بین توسعه و دو متغیر مهم تعیین‌کننده (ارتقای بنیه تولید ملی برای افزایش کیفیت زندگی مردم و توان رقابت اقتصادی) اشاره می‌کند (مؤمنی، ۱۳۹۵). در نقد کتاب داوودی (۱۳۹۵) با عنوان *اقتصاد مقاومتی از نظریه تا عمل*، ترحمی و بزازان به بررسی و نقد ابعاد شکلی، محتوایی و ساختاری اقتصاد مقاومتی می‌پردازند و شش مدل مدیریتی (رهبری و مدیریت، کاهش وابستگی، اصلاح ساختاری، توسعه زیرساخت‌ها، مردم‌محوری و ارتباطات و تعامل جهانی) را مطرح می‌کنند؛ اما نقطه ضعف ساختار کتاب را آشکار می‌کنند که به‌طور عمده دارای حالت خبری و خطابه‌ای است و بدون تحلیل اقتصادی مطالبی ارائه شده است. با وجود این، به‌منظور کسب اطلاعات کلی از اقتصاد مقاومتی و مشکلات اقتصادی ایران به‌عنوان منبع مفیدی معرفی شده است (ترحمی و بزازان، ۱۳۹۷).

جدول ۱. تعاریف مفاهیم اصلی

مفهوم	تعریف (منبع)
انعطاف‌پذیری اقتصادی ^۱	مفهوم انعطاف‌پذیری اقتصادی مترادف با اقتصاد مقاومتی ترجمه شده، اما مفهوم «تاب‌آوری اقتصادی» که امروزه به گفتمانی رایج و همگانی تبدیل شده، مناسب‌تر و گویاتر است (Bruglio et al., 2006: 5).
تاب‌آوری اقتصادی ^۲	چهار مؤلفه تاب‌آوری عبارت‌اند از: ۱. ظرفیت جامعه برای بازگشت به شرایط اقتصادی پیش از بحران و برای کاهش خطرپذیری در واکنش به بحران تجربه‌شده و پیش‌بینی وقوع بحران‌های آینده؛ ۲. حساسیت‌پذیری اقتصاد در برابر بحران‌های اقتصادی مانند رکود؛ ۳. سرعت عمل در بهبودبخشی پس از مواجهه با بحران؛ ۴. بازسازی یا بازگشت دوباره به مسیر رشد اقتصادی پس از بحران (سمعی نسب و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۰).
آسیب‌پذیری اقتصادی ^۳	بدین معنا که این کشور در معرض آسیب و زیان از جانب فشارهای اقتصادی خارجی قرار دارد که بیانگر تزلزل و ناپایداری آن است (Merriam, n.d.).
ضد شکنندگی اقتصادی ^۴	بدان معنا که منابع و ظرفیت‌ها طوری تنظیم و جایابی شوند که احتمال ضربه به آن به حداقل برسد و از سویی بتوان عواید مثبتی نیز به‌دست آورد (Merriam, n.d.).
همبستگی اقتصادی ^۵	مفهومی است که به‌دنبال ریشه‌دار کردن فعالیت‌های اقتصادی با ایجاد پایه‌های محکم، مشارکت و تعاون و اقدام متقابل است که مقابل شاخصه فردگرایی رقابتی پارادایم سرمایه‌داری جریان اصلی است.... اقتصاد همبستگی بیشتر از اینکه مدل سازمان‌یافته باشد، نوعی فرایند سازماندهی است (Miller, 2010: 3).
پایداری اقتصادی ^۶	شامل بازتعریف کارایی و بهره‌وری اقتصادی می‌شود (Paehlke, 2005: 36).
توسعه پایدار ^۷	این نوع توسعه احتیاجات نسل کنونی انسان از محیط زیست را بدون آسیب رساندن به توانایی تأمین نیازهای نسل آینده برآورده می‌کند (WCED, 1987).
استحکام اقتصادی ^۸	کاربرد این مفهوم استحکام اقتصادی در نظام‌های اقتصاد سیاسی به توانایی تمهیدات اقتصادی-سیاسی گوناگون برای ایجاد رونق در مواجهه با شرایط نامطلوب اشاره دارد. اقتصاد سیاسی مستحکم به بررسی انحراف‌ها از شرایط ایده آل می‌پردازد (Leeson & Subrick, 2006).

منبع: نگارندگان.

یادداشت: کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (WCED) World Commission on Environmental and Development

با این‌که اقتصاد مقاومتی مفهومی نو در ایران به‌شمار می‌آید، دارای پیشینه‌ای طولانی در سایر کشورهاست. گرایش به اقتصاد مقاومتی تنها مختص به ایران نیست؛ امروز در بسیاری از

1. Economic Flexibility
2. Economic Resilience
3. Economic Vulnerability
4. Economic Anti-Fragility
5. Economic Solidarity
6. Economic Sustainability
7. Sustainable Development
8. Economic Robustness

کشورها به‌ویژه در سال‌های اخیر، با تکان‌های شدید اقتصادی که در دنیا به‌وجود آمده است، کشورهای متعددی در پی مقاوم‌سازی اقتصاد خودشان برآمدند، البته هر کشوری شرایط خاص خود را دارد. در جدول ۱، تعاریف متعارف ارائه‌شده برای برخی مفاهیم اصلی و مهم درباره این نوع نظام اقتصادی مرتبط مهم به‌اختصار معرفی می‌شوند. هر مفهوم دارای تاریخچه، تعریف و مدل‌های مشخص در پژوهش‌های اقتصاد-سیاسی است؛ حتی در بحث‌های متأخر برخی از این مفاهیم در قالب مدل‌هایی با هم تلفیق شده و مدل جامع‌تری ارائه شده‌اند.

۳. اقتصاد ملی (مکتب تاریخی) لیست

فردریک لیست (۱۸۴۶-۱۷۸۹) چهره اندیشمند اقتصاد سیاسی سده نوزدهم که نظریه اقتصادی وی قرابت زیادی با وضعیت امروز بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران دارد، از نخستین مخالفان نظریه اقتصادی آدام اسمیت در عصری است که بر اقتصاد دنیا سایه انداخته بود. وی از معروف‌ترین اقتصاددانان ملی‌گرای آلمان و بنیانگذار مکتب تاریخی (مکتب ملی‌گرایی) نام است. او در واقع از منتقدان بسیار جدی مکتب کلاسیک‌ها در علم اقتصاد است (دادگر، ۱۳۸۳: ۴۹). وی در خصوص منافع فردی و جمعی و هماهنگی یا ناهماهنگی این دو بیان می‌کند که اقتصاد فرد، اقتصاد اجتماع نیست و اقتصاد اجتماع، اقتصاد بین‌المللی نیست و این حقیقتی انکارناپذیر است، زیرا هر کدام خصوصیات خاص خود را دارند. مهم‌ترین نظریه لیست، دیدگاهی است که ملت را به‌صورت واحدی مستقل اقتصادی می‌نگرد و به مخالفت صریح با اقتصاددانان کلاسیک و جهان‌وطنی ایشان برمی‌خیزد. لیست نظریه «بنیه تولیدی»^۱ را به‌مثابه رویکردی مطرح می‌کند که در برابر رویه‌های کوتاه‌نگرانه و مصرف‌محور اقتصاددانان کلاسیک عرضه شد. وی تصریح می‌کند که رویکرد کلاسیک به امر اقتصادی که آن جنبه از زندگی انسان‌ها را از تاریخ، فرهنگ، محیط طبیعی و محیط اجتماعی یک کشور خاص منتزع می‌کند، اصالت دادن به کوتاه‌مدت و زمین‌گیر کردن کشورهای دارای قابلیت ارتقای بنیه تولیدی را به‌همراه دارد. وی بر این باور است که رویکرد نظری مزبور که «نظریه ارزش»^۲ نامگذاری شده و رقیب نظریه «بنیه تولیدی» تلقی می‌شود، بیش از هر چیز منافع خصوصی تجار را تأمین می‌کند (لیست، ۱۳۷۸: ۱۵۶-۱۵۵).

۳.۱. فردریک لیست و اقتصاد ملی آلمان

از اوایل سده نوزدهم مکتب اسمیت کل اروپا را تحت‌الشعاع قرار داد، اگرچه چند مسلک اسمیت در جریان پیشرفت با انتقادات و اظهارنظرهای فراوان روبه‌رو شد، حتی از سوی

1. Productive Power
2. Value Theory

پیروانش مانند مالتوس و ریکاردو اصلاحات در آن انجام گرفت. با این حال، یکی از مهم‌ترین اصول باورهای آنها دست‌نخورده باقی مانده بود، به طوری که اقتصاددانان همه کشورها، آزادی تجارت بین‌المللی را اصلی مسلم، انکارنکردنی و تغییرناپذیر می‌دانستند. تا حدی در آلمان و فرانسه و انگلستان و روسیه توافق بین مراجع علمی کامل بود، اما اوضاع و احوال آلمان در آن شرایط تاریخی و اقتصادی خاص در آغاز سده نوزدهم محیطی کاملاً مناسب برای ایجاد تعارض نسبت به اصل آزادی مبادلات به وجود می‌آورد. این تعارض درخشان و خیره‌کننده توسط فردریک لیست با کتاب *اسلوب ملی اقتصاد سیاسی* در ۱۸۴۱ به وقوع پیوست و لیست در موقعیت نظریه‌پرداز حمایت‌طلبی جدید قرار گرفت. وی در دیباچه کتابش می‌گوید که تاریخ این کتاب، تاریخ نیمی از زندگی من است و شاید درستش این باشد که تاریخ مملکت و مردم آلمان از ۱۸۲۰ تا ۱۸۴۰ است. بی‌شک محض تصادف و اتفاق نبود که نخستین بار اقتصاد مبتنی بر اصل ملیت، در کشوری ظاهر شد که عمده‌ترین فکر سیاسی آن در تمام سده نوزدهم تحقیق بخشیدن به وحدت ملی و تحکیم مبانی آن بود (ژید و ریست، ۱۳۸۰: ۸۶).

آلمان در ۱۸۵۱ هنوز به دولت‌های محلی مختلف از حیث اهمیت و اعتبار تقسیم می‌شد که به وسیله گمرک از هم جدا می‌شدند. هر دولت محلی آلمان تعداد زیادی خط گمرکی داخلی برقرار کرده بود که افزون بر آن حدود ۳۸ خط گمرکی بین‌دولتی هم در آن حاکم بود. در زمانی که ملت‌های دیگر علوم و هنرها را پرورش می‌دادند و از طریق آن موجبات رونق صنعت و بازرگانی خود را فراهم می‌آوردند، تاجر صنعتگر آلمانی باید قسمت بزرگی از وقت خود را صرف شناختن تعرفه‌های مختلف گمرکی و عوارض گوناگون راهداری می‌کرد. از سوی دیگر، در نبود گمرک مرکزی قوی کالاهای تولیدشده انگلستان بدون هیچ محدودیتی وارد دولت‌های آلمان می‌شد و این آشفتگی اقتصادی خاصی را به همه دولت‌های آلمان تحمیل کرده بود (ژید و ریست، ۱۳۸۰: ۲۷). آلمان در سده نوزدهم از لحاظ اقتصادی کاملاً کشاورزی، از لحاظ سیاسی دچار تجزیه، و از لحاظ صنعتی دچار قیود صنفی و با نظام کاملاً ملوک‌الطوایفی اداره می‌شد، اما ناگهان در ظرف مدت چند سال از بند موانع ذکرشده آزاد شد و وحدت اقتصادی و سیاسی خود را بنیانگذاری کرد؛ و در اواخر قرن به یکی از برترین کشورهای صنعتی ارتقا می‌یابد. برخی بر این اعتقادند که فردریک لیست با ارائه نظریه اقتصاد ملی خویش زمینه را برای توسعه آمریکا و آلمان فراهم آورد. وی اعتلای نیروی ملی را هدف فعالیت‌های اقتصادی معرفی و وظیفه علم اقتصاد را بررسی چگونگی نیل کشور به بالاترین قدرت و توانایی اقتصادی می‌دانست.

۳.۲. طرح اندیشه ملیت مقابل مکتب اسمیت

دیدگاه‌های اساسی لیست از ایده مقایسه‌ای وی سرچشمه می‌گیرد. به دلیل رویکرد مقایسه‌ای

توسعه اقتصادی سه کشور انگلستان، آمریکا و آلمان، پژوهش وی برای اتکا به اقتصاد ملی درون‌زا بسیار راهگشا است. لیست دو فکر جدید را وارد مباحث علمی می‌کند که به کلی نسبت به عقاید جاری بیگانه بود؛ یعنی اندیشه ملیت در مقابل اندیشه بین‌المللی و اندیشه نیروی مولد در مقابل ارزش مبادله‌شدنی. وی با طرح اندیشه ملیت به انتقاد از مکتب و عقاید اسمیت بر مبنای فرضیه جهان‌شهری^۱ ظاهر می‌پردازد و بیان می‌کند که آنها چنین می‌پندارند که آدمیان از هم‌اکنون یک اجتماع واحد جهانی را تشکیل داده‌اند که جنگ در آن به کلی تحریم شده است، در این فرضیه بشریت که از افراد مجزا تشکیل شده، اصل و اساس همان منافع فردی است و هیچ‌گونه محظور و محدودیتی در برابر آزادی عمل افراد توجیه‌شدنی نیست، اما تاریخ مابین فرد انسانی و جامعه بشریت، ملت‌ها را به وجود آورده است؛ این نکته‌ای است که مکتب آدم اسمیت به آن توجه نکرده است. این در حالی است که هر فرد عضوی از یک ملت است، بنابراین زندگی و رفاه او در درجه اول تابع قدرت سیاسی آن ملت است. لیست معتقد است که بی‌شک اتحاد جهانی نوع بشر آرمان شریفی است و روزی هم به وقوع می‌پیوندد، اما اکنون ملت‌ها منافع مختلف دارند و قدرت‌های آنها نابرابر است. امروزه منافع فعلی و اوضاع و احوال خاص ملت‌ها معین می‌کند که هر ملت به چه ترتیب می‌تواند درجه رشد اقتصادی خود را بالا ببرد، تا اتحاد با سایر ملت‌های پیشرفته در نتیجه آن تجارت آزاد برای او ممکن و سودمند باشد.

۳.۳. ابعاد نظری اقتصاد ملی فردریک لیست

به باور لیست، شواهد تاریخی بیانگر این است که کشورهای دارای شرایط مساعد پیشرفته پنج مرحله از تکامل را طی کرده‌اند: ۱. توحش، ۲. شبانی، ۳. کشاورزی، ۴. کشاورزی و صنعتی و ۵. کشاورزی و صنعتی و بازرگانی. مرحله آخر افزون‌بر دارا بودن شرایط مراحل پیشین، از مزیت فعالیت‌های مهم تجاری و بازرگانی برخوردار است که همان مرحله اقتصاد جامع است. از نظر لیست سیستم مبادله آزاد در سه مرحله اول تمدن کافی است، اما برای اینکه از مرحله سوم بتواند به مرحله چهارم عبور کند، استقرار سیاست حمایتی لازم است و پس از قدرت گرفتن اقتصادی و کسب توانایی رقابت، بازگشت به آزادی مبادله جهت توسعه تجارت و مبادلات بین‌المللی لازم است. لیست آلمان را در شرایط گذار از مرحله سوم به چهارم می‌دید که نمی‌تواند صنعت خود را بدون دارا بودن یک سیستم حمایتی در رقابت با کالاهای انگلیسی توسعه بخشد. از نظر وی، سیاست حمایتی، سیاست موقتی و محدود است، و این سیاست تنها در دوره صنعتی شدن استفاده‌شدنی است (قدیری اصل، ۱۳۶۸: ۲۸).

به باور لیست، بسط و توسعه صنایع مزایا و محاسنی دارد و اگر اساس فعالیت اقتصادی کشوری، کشاورزی باشد، همواره در معرض رکود و تهیدستی خواهد بود، و با افزایش جمعیت فعالیت کشاورزی قادر به تأمین اشتغال برای جمعیت اضافی نخواهد بود؛ و تهیدستی، فقر و انحطاط در انتظار این کشورهاست. توسعه صنایع بیش از همه به نفع کشاورزان است، زیرا کسب درآمد بیشتر سبب افزایش تولید کشاورزی و در نتیجه ارتقای سطح زندگی و رونق کار کشاورزان خواهد شد. لیست که طرفدار جدی سیاست حمایت از محصولات ملی بود، کاربرد همین شیوه را در خصوص کشاورزی به مصلحت نمی‌دانست (قدیری اصل، ۱۳۶۸: ۵۶).

در کنار اقتصاد ملی نظریه اقتصاد جامع نیز مورد توجه لیست واقع شد، اما باور داشت که اقتصاد ملی زمانی می‌تواند به رشد و توسعه حداکثر برسد که در عرصه بین‌المللی و اقتصاد جهانی جایگاه بهتری را به خود اختصاص دهد. بنابراین، نباید تنها براساس ثروت و قدرت فعلی اوضاع اقتصادی کشور را تحلیل کرد، بلکه باید امکانات رشد و توسعه آینده را نیز در نظر گرفت. کشورهای مختلف در مراحل متفاوت تحول و تکامل هستند، و میزان پیشرفت آنان به چگونگی و کیفیت تحولات آینده بستگی دارد. اساس اقتصاد ملی بر کمیت و کیفیت نیروهای تولیدی قرار دارد، و این نیروها تنها به پس‌انداز و منابع طبیعی و امکانات و فعالیت و سرمایه بستگی ندارند، بلکه نقش‌ها و قواعد اجتماعی، سیاسی و مدنی و میزان استقلال و نیروهای ملی نیز در این زمینه حائز اهمیت است. نکته جالب توجه آنکه حتی گروهی از اقتصاددانان توسعه، در آستانه هزاره سوم، همچنان بر نقش تعیین‌کننده بنیه تولید صنعتی در تحکیم امنیت ملی با فردریک لیست هم‌آوازند و از این زاویه، با ایده‌محوری وی مبنی بر ضرورت درون‌گرایی حاکمان و حمایت از صنایع نوپا همدلی می‌کنند. برای مثال، گیلیس و همکاران به‌صراحت اظهار می‌دارند که تمامی قدرت‌های عمده اروپایی از جمله روسیه، چه پیش از و چه پس از انقلاب کمونیستی و همین‌طور ژاپن، به محض آنکه معلوم شد قدرت نظامی به قدرت صنعتی وابسته است، از تولیدات صنعتی حمایت کردند. حتی کشورهایی مانند آرژانتین، برزیل، کلمبیا و مکزیک به محض رهایی از جنگ، در راستای حمایت از صنایع نوپای خود، به‌طور منظم به ایجاد موانعی در برابر واردات از ایالات متحده پرداختند (مؤمنی، ۱۳۹۵: ۱۵۴). خوشبختانه در سال‌های اخیر، در داخل ایران نیز به مسئله تولید و بنیه تولیدی به‌مثابه نظام حیات جمعی - اگرچه هنوز به‌صورت غیرروشمند و بیشتر توصیفی - توجه می‌شود. اهمیت این توجه در ایران و ارزشمندی آن، هنگامی افزایش می‌یابد که این دقت‌ها حتی در بیرون از حوزه تخصصی اقتصاد نیز ملاحظه می‌شود. عبارت‌های زیر را به‌عنوان نمونه‌ای از چنین توجه‌هایی می‌توان در نظر گرفت.

یکی از درخشان‌ترین نمونه‌ها در زمینه صنعتی شدن، کار ارزشمند مانوئل کاستلز (۱۳۸۲) است. وی در این زمینه، با یادآوری تجربه کشورهای عقب‌مانده و در حال توسعه جهان در کل دوره موج‌های اول و دوم انقلاب صنعتی که چیزی حدود دو‌یست سال را شامل می‌شود، تذکرات بسیار ارزنده‌ای را در مورد نحوه روبه‌رو شدن با دستاوردهای انقلاب دانایی یا موج سوم انقلاب عرضه می‌کند. از دیدگاه وی، کشورهای در حال توسعه، مسئله صنعتی شدن را تنها در حد ایجاد تحولاتی در یکی از بخش‌های اقتصادی یعنی بخش صنعت، به مفهوم اصطلاحی «ساخت» در نظر گرفتند، و از مسئله صنعتی شدن به‌مثابه ارتقای بنیه تولید ملی که مستلزم نگاه به صنعتی شدن به‌مثابه یک نظام حیات جمعی بود، غفلت ورزیدند؛ ضمن آنکه در همان سطح توجه نیز کل ماجرای صنعتی شدن را در انتقال مکانیکی ماشین‌آلات صنعتی وارداتی جست‌وجو کردند. طبیعی است که دستاورد چنین نگاه سطحی‌نگر و انتزاعی به پدیده مرتبط به کل نظام حیات جمعی، وابسته شدن به دنیای خارج در همه عرصه‌های تصورشدنی، همراه با گسترش و تعمیق همه عوامل پدیده‌های نابرابری و عقب‌ماندگی است. از این زاویه، وی برای آینده هشدار می‌دهد که محور آن، مسئله انقلاب دانایی به‌مثابه نظام حیات جمعی جدید است. وی گوشزد می‌کند که مبادا این پدیده پیچیده و چندوجهی، درست مانند موج‌های اول و دوم انقلاب صنعتی به واردات ماشین‌آلات، محاسبه شود و محصولات دیجیتال تنزل یابد (مؤنی، ۱۳۹۵: ۱۵۶-۱۵۵).

با پیشرفت‌هایی در عرصه انقلاب دانایی، اندیشمندان و اقتصاددانان بزرگی در زمینه ساختار ذخیره دانایی بشر کارهای ارزنده انجام داده و به نتیجه بسیار مهمی رسیده‌اند. به این ترتیب که اگر کل ذخیره دانایی بشر به ۱۰۰ واحد تقسیم شود، ۹۰ واحد از این میزان را دانش ضمنی تشکیل می‌دهد؛ یعنی دانشی که با انجام دادن کار حاصل می‌شود، و این‌گونه دانش فقط در چارچوب نهادی تولید محور امکان انباشت نظام‌وار پیدا می‌کند (مؤنی، ۱۳۹۴: ۲۶۰). تاریخ غرب و به‌تازگی تاریخ پیشرفت آسیا، معرف این واقعیت است که هیچ عاملی به اندازه تولید، زمینه‌های عقلانیت اجتماعی و سیاسی را فراهم نمی‌کند. تولید به فرد، ملت و کشور اعتمادبه‌نفس می‌دهد و مبنای حفظ هویت، حفظ استقلال و حفظ فرهنگ بومی و مظهر قدرت است. تولید، نیروی محرکه تغییرهاست و دامنه فکر و مرزهای فهم پدیده‌ها را گسترش می‌دهد. این مقوله، زمانی جدی می‌شود که رقابت وجود داشته باشد. تولید زمینه نظم رفتاری، نظم فکری و قاعده‌مند شدن زندگی را به‌وجود می‌آورد؛ و افزایش کمیت و کیفیت آن، جامعه را تا آنجا به‌سوی پیشرفت و ثبات سوق می‌دهد که شرایط تأمین امنیت داخلی، امنیت ملی و حتی آزادی‌های مدنی و سیاسی تسهیل شود (سریع‌القلم، ۱۳۹۰). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که

مبنای نظریه اقتصاد ملی لیست، تقویت و استحکام بخشیدن به بنیه تولید ملی در کشور است که راه‌های تحقق آن در اقتصاد سیاسی مقاومتی در ج.ا.ایران بررسی می‌شود.

۴. جمهوری اسلامی ایران و اقتصاد مقاومتی

اصطلاح اقتصاد مقاومتی را نخستین بار مقام معظم رهبری در ۱۳۸۹ در دیدار با جمعی از کارآفرینان مطرح کردند. سپس در ۱۳۹۱ در دیدار با جمعی از دانشجویان، یادآور شدند اقتصاد مقاومتی یک مطالبه عمومی است که باید در تبیین و تشخیص آن بکوشند (امیری طهرانی‌زاده، ۱۳۹۴: ۳۴). ایشان در سال ۱۳۹۲ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را ابلاغ و تأکید کردند، چنانچه ما روی توان خودمان تکیه کنیم، استقامت آنها در هم خواهد شکست. مسئولان به مردم اعتماد کنند، سعی کنند این سرچشمه فیاض تمام‌نشدنی را در داخل، خروشان و فروزان و جوشان کنند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۴۹). اقتصاد سیاسی مقاومتی رویکرد اقتصادی نظام جمهوری اسلامی ایران است که ریشه در اندیشه اقتصادی اسلام و قانون اساسی دارد. برای فهم دقیق آن باید مواضع و دیدگاه‌های اقتصادی رهبران انقلاب اسلامی به‌ویژه امام خمینی (ره) در نقش بنیانگذار نظام سیاسی کشور و محوری‌ترین سند حقوقی کشور (قانون اساسی) که باز متأثر از اندیشه رهبران انقلاب تنظیم شده است، منبع استنباط اصول اقتصاد سیاسی مقاومتی باشد. در اینجا ابتدا اهداف اقتصاد سیاسی مدنظر رهبران انقلاب مورد توجه قرار گرفته و سپس اصول و ارکان اقتصاد مقاومتی در چارچوب نظریه اقتصاد ملی تحلیل شده است.

۱. ۴. اقتصاد سیاسی مقاومتی از نگاه امام خمینی (ره) و قانون اساسی

امام (ره) هدف غایی نظام اسلامی را تهذیب نفس، معنویات و اخلاق می‌دانند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۱۵). اقتصاد هدف نیست، بلکه وسیله‌ای است برای نیل به هدفی والاتر و بالاتر یعنی فرهنگ اسلامی (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۷: ۷۲). از نظر امام (ره) نظام اقتصادی باید در راستای نظام فرهنگی باشد و اهداف آن به‌گونه‌ای باشد که دستیابی به آنها زمینه‌ساز کارکرد بهینه نظام فرهنگی اسلام شود. اسلام دینی است که با تنظیم فعالیت‌های مادی، راه را برای اعتلای معنوی و انسانی می‌گشاید. ترقی واقعی همین است که رشد خود انسان، هدف فعالیت‌های مادی شد و اسلام دین این ترقی است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۹: ۱۶۷).

به‌طور کلی، اهداف اقتصاد سیاسی مدنظر امام (ره) عبارت‌اند از: الف) استقلال اقتصادی و نفی وابستگی: از اهداف مهم نظام اقتصاد در اسلام استقلال اقتصادی و نفی وابستگی به بیگانگان است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۷: ۲۱۸). وابستگی اقتصادی منشأ همه وابستگی‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... خواهد بود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۴۰؛ ب) ریشه‌کن کردن فقر در جامعه:

ریشه‌کن کردن فقر در جامعه و ایجاد رفاه عمومی هم یکی دیگر از اهداف اقتصادی اسلام است، زیرا خداوند متعال به حمایت از فقرا و پابرهنگان دستور داده است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۶: ۲۳۴)؛ ج) عدالت اجتماعی: عدالت اجتماعی با همه ابعادش هم از مهم‌ترین اهداف نظام اسلامی و هم بعثت انبیاست (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۸۱). اسلام به دنبال تعدیل است، نه جلو سرمایه را می‌گیرد و نه می‌گذارد که سرمایه در دست عده‌ای محدود جمع شود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۰: ۳۶).

رویکردهای محوری که می‌توان از آنها به عنوان اهداف اصولی در مقدمه قانون اساسی و همچنین طبق بندهای ۹ و ۱۲ اصل ۳ قانون اساسی نام برد، عبارت‌اند از: وسیله تعالی دانستن اقتصاد (مقدمه قانون اساسی)، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر، برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه و رفع تبعیض ناروا و ایجاد امکانات برای همه (حجتی اشرفی، ۱۳۸۴: ۱۴). بررسی این موضوع نشان می‌دهد که اهداف اقتصاد سیاسی مدنظر امام از جمله هدف نبودن اقتصاد و محوریت معنویت و اخلاق، حمایت از فقرا و پابرهنگان، برقراری عدالت و... در اصول متعدد قانون اساسی بیان شده است.

۲.۴. اقتصاد سیاسی مقاومتی در چارچوب اقتصاد ملی

بررسی مفاهیم مشابه در اقتصاد ملی نشان می‌دهد که اهداف اقتصاد ملی لیست در اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی مورد توجه واقع شده است. بنابراین، در این بخش تلاش می‌شود تا اصول و ارکان حاکم بر اقتصاد سیاسی مقاومتی در چارچوب نظریه اقتصاد ملی بررسی و تحلیل شود.

۱.۲.۴. اصل مردم بنیادی اقتصاد و نبود تصدی‌گری دولت

امام (ره) افزون‌بر اینکه دولت را ملزم به ارائه خدمات و امکانات به مردم می‌داند، دخالت مستقیم دولت در تمامی اموری را که مردم توان و اراده انجام آن را دارند، غیرضروری و حتی نامشروع می‌داند. منظور از دخالت مستقیم دولت در اقتصاد همان در دست داشتن مالکیت و مدیریت بنگاه‌های اقتصادی است، به نحوی که دولت از لحاظ عملیاتی، همه‌کاره فعالیت‌های اقتصادی باشد؛ کارهایی که از بازار برمی‌آید جلویش را نگیرید، یعنی مشروع هم نیست، آزادی مردم نباید سلب شود (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۴). از فرمایش امام راحل استنباط می‌شود، چنانچه بازار و بخش خصوصی توان و انگیزه فعالیت اقتصادی را داشته باشد، اصل به مداخله نکردن دولت در آنهاست و نباید مانع آزادی آنان شد. در حقیقت، اصل دخالت حداقلی دولت

در بخش خصوصی مورد تأکید و تأیید قرار گرفته است، البته مصالح نظام ملاک تعیین کمیت و کیفیت این دخالت است.

اکنون هم یکی از ارکان اصلی اقتصاد مقاومتی اصل مردم بنیادی است، اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می شود، مردم بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نبوده و اقتصاد دولتی نیست؛ بلکه اقتصاد مردمی است، با اراده و سرمایه و حضور مردم تحقق پیدا می کند. فعالیت و کار اقتصادی دست مردم است، و دولت به عنوان مسئول عمومی نظارت، هدایت و کمک می کند؛ بنابراین تسهیل و آماده سازی شرایط وظیفه دولت است. لازمه حضور مؤثر آحاد مردم در عرصه اقتصادی، توانمند ساختن آنان برای این عرصه است. حضور مردم باید در چارچوب مدل مورد پذیرش اسلامی باشد، و دولت باید با وضع قوانین و تأمین سایر امکانات در اختیار، به حضور مردم کمک کند (یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۱). در واقع، در اقتصاد مقاومتی وظیفه دولت در صحنه اقتصاد نظارتی است نه بازیگری، بازیگران عرصه اقتصاد تولیدکنندگان و مصرف کنندگان کالاها و خدمات هستند که از طریق تعامل با یکدیگر، بازار را متعادل می کنند و چرخ اقتصاد را به گردش درمی آورند. این تعاملات بدون برنامه ریزی و نظارت به نحو مطلوب انجام نخواهد گرفت، از این رو حضور نظارتی که مورد تأیید بازیگران باشد و قدرت کافی برای برخورد با برهم زنندگان تعاملات را داشته باشد، در این صحنه ضروری است و این وظیفه به دولت سپرده شده است. دولت تصدی گر که توان خود را صرف بنگاهداری کند، توان، قدرت و انگیزه کافی برای انجام صحیح وظیفه نظارتی نخواهد داشت.

۲.۲.۴. اصل اعمال نقش حاکمیتی

بر اساس نظریه اقتصاد ملی، هر چند اقتصاد باز و تجارت آزاد رشد و امنیت اقتصادی کشورهای توسعه یافته را تأمین می کند، اما این روند برخلاف منافع کشورهای ضعیف است. لیست این دیدگاه را با تفکیک بین اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی تبیین می کند. به نظر او، دیدگاه طرفداران اقتصاد باز در یک اقتصاد جهانی درست است؛ اما در جهانی که در آن اقتصادهای ملی منافع متضادی دارند، نادرست است (لیست، ۱۳۷۸: ۲۴). لیست معتقد است که در کشورهای ثروتمند، بازار آزاد و تجارت خارجی آزاد با این هدف به کشورهای تنگدست موعظه می کنند که سهم بیشتری از بازارهای کشورهای مذکور را به چنگ آورند، و از پیدایش رقبای احتمالی پیشگیری کنند. اینها می گویند آن کاری را بکنید که می گویم نه همان کاری که ما بیشتر می کردیم. لیست، بریتانیا را به عنوان نمونه ای از قدرت اقتصادی سده نوزدهم به انداختن نردبان متهم می کند؛ نردبانی که کشورهای ثروتمند به وسیله آن به توسعه دست پیدا کردند (لیست، ۱۳۷۹: ۴۱۰).

در اقتصاد مقاومتی هم برنامه‌ریزی کلان و سیاستگذاری راهبردی، تنظیم و نظارت بر مناسبات اقتصادی جزء موارد نقش حاکمیتی است. اعمال نقش حاکمیتی از سوی دولت و مدیریت عملکرد بخش خصوصی از اقتضات منافع اقتصادی است؛ «دولت باید نظارت بکند در اینکه کالاهایی که برخلاف مصلحت جمهوری اسلامی است، برخلاف شرع است آنها را نیاورند، این نظارت است. همچو نیست که آزادشان کنید که فردا بازارها پر بشود از آن لوکس‌ها و از آن بساطی که در سابق بود... جلو مردم را نگیرید فقط یک نظارتی بکنید که مبادا انحراف پیدا بشود...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۹: ۳۴). در نظام‌های اقتصادی که دارای اهداف ارزشی‌اند، حداکثری بودن نظارت و اعمال نقش حاکمیتی برای نیل حداکثری به اهداف به نظر ضروری می‌آید.

۴.۲.۳. مقاومت‌سازی و استقلال اقتصادی

با مطرح شدن اقتصاد بازار آزاد از سوی آدام اسمیت اقتصاددان انگلیسی، فردریک لیست نظریه‌پرداز آلمانی نظریه اقتصاد ملی، در نامه معروفش در ۱۸۱۹ در خصوص اقتصاد بازار آزاد و بی‌توجهی دولت به اقتصاد ملی، این‌گونه واکنش نشان می‌دهد: این آزادی اقتصادی نیست، خطر واقعی این است که کشورهای بسیار قوی شعار تجارت آزاد را بهانه قرار دهند، بر صنعت و تجارت کشورهای ضعیف تسلط یابند و آنها را به بردگی بکشانند. تجارت آزاد یکجانبه، دست رقیبان را باز می‌گذارد که صنعت بومی را ویران کنند، اما برای تولیدکنندگان داخلی این حق را قائل نمی‌شود که در بازارهای خارجی با شرایط برابر رقابت کنند. این نوع وابستگی ما را به رحم و شفقت بیگانگان وابسته می‌کند. صنعت و تجارت ما به قوانین آنها وابسته می‌شود (ژید وریست، ۱۳۸۰: ۸۳).

براساس نظریه اقتصاد ملی افزایش تعاملات اقتصادی زمانی به بهبود رشد و امنیت اقتصادی یک کشور کمک می‌کند که اقتصاد به‌نوعی استحکام داخلی رسیده باشد و موقعیت آن در جهان تثبیت شده باشد. در اقتصاد سیاسی مقاومتی هم استقلال اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است، استقلال یعنی اینکه کشور روی پای خود بایستد و به دیگری احتیاج نداشته باشد؛ این به معنای قطع رابطه و تجارت با دنیا نیست، بلکه به این معناست که در تأمین نیازهای اولیه توانمندی داشته و وابسته نباشد. رکن مهم دیگر در اقتصاد مقاومتی، مقاوم بودن اقتصاد است؛ اقتصاد باید مقاوم باشد و بتواند در مقابل آنچه ممکن است در معرض توطئه دشمن قرار بگیرد، مقاومت کند. برای نیل به اقتصاد مقاومتی که از ارکان نیاز به جامعه‌ای مقاوم و تاب آور است، اقتصاد باید در منظومه‌ای با سایر عوامل سیاسی-اجتماعی و فرهنگی قرار گیرد که دارای مشخصات زیر باشند: ۱. زیرساخت‌های فیزیکی و اطلاعاتی-ارتباطی،

۲. مباحث جمعیتی، ۳. مسائل و امور فرهنگی-اجتماعی، ۴. مبحث اجرایی-تقنینی، ۵. توسعه و تحول آموزش، علم و فناوری، و ۶. منابع طبیعی، زیست‌محیطی، و اکولوژیک (سمعی نسب و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۶).

۴.۲.۴. اقتصاد مولد و درون‌زا

لیست بر لزوم فراهم آوردن شرایط رشد اجتماعی، سیاسی و مذهبی، معرفت و آگاهی ملی کشورها تأکید دارد. ویژگی نظام اقتصادی پیشنهادی او ملیت نام دارد؛ و این نظام بر مبنای طبیعت ملیت، به‌عنوان یک حلقه واسط (در مقابل علایق فردی از یک سو و نسل بشر از سوی دیگر) پایه‌گذاری شده است. در اقتصاد مقاومتی هم طبیعت ملیت به‌عنوان حلقه واسط بین اقتصاد خرد و جهانی مورد تأکید قرار گرفته و بر بعد درون‌زایی و تولید و استقلال ملی آن تأکید می‌شود، درست برخلاف روند پیشین ایران که اقتصاد کشور در عمل با تسلیم در مقابل اقتصاد آزاد و ادغام در نظام جهانی اقتصاد به‌طور مشخص در دوران پهلوی پس از سرکوب ۱۳۴۲ همراه بود.

پیشرفت داخلی آن زمانی پایدار خواهد بود که درون‌زا و متکی به استعداد درونی یک ملت باشد. وزن و اعتبار کشورها، ملت‌ها و دولت‌ها هم به‌واسطه همین درون‌زایی است. اگر از درون حرکتی، جهشی و رشدی به‌وجود آمد، به یک کشور، و به یک ملت وزن، اعتبار، ارزش و ابهت می‌دهد. مولد و درون‌زاست، یعنی به ظرفیت‌های کشور و امکانات مردم توجه دارد؛ در عین حال درون‌گرا نیست، یعنی اقتصاد را محصور و محدود به داخل کشور نمی‌کند، بلکه در عین درون‌زایی، برون‌گرا هم است، و با اقتصادهای جهانی تعامل دارد. تعاملی که از موضع برابر و قدرت صورت می‌گیرد، حمایت از تولید ملی در صنعت، کشاورزی و سایر بخش‌ها، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است. حمایت از تولید ملی آن بخش درون‌زایی اقتصاد کشور به‌شمار می‌آید و باید مورد تأکید باشد (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۳).

۴.۲.۵. مدیریت مصرف

بحث مدیریت مصرف یکی دیگر از ارکان اقتصاد مقاومتی است که دو بعد دارد: نخست مصرف کالای داخلی، و دوم پرهیز از اسراف و تبذیر. قانون سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه که در ۱۳۹۴ به دولت آقای روحانی ابلاغ شد، بر هر دو بعد یادشده تأکید دارد. اصلاح فرهنگ مصرف فردی و اجتماعی و سازمانی، آموزش همگانی الگوی مصرف، توسعه و ترویج فرهنگ بهره‌برداری با ارائه و تشویق الگوهای موفق در این زمینه، پیشگامی دولت، شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی در رعایت الگوی مصرف، مقابله با ترویج فرهنگ مصرف‌گرایی،

صرفه‌جویی در مصرف انرژی با اعمال مجموعه‌ای متعادل از اقدام‌های قیمتی و غیرقیمتی، و ارتقای بهره‌وری و نهادینه‌شدن مصرف بهینه آب در تمام بخش‌ها به‌ویژه بخش کشاورزی در چارچوب سیاست‌های مصرف آب، اعمال سیاست‌های تشویقی و حمایتی از طرح‌های بهینه‌سازی، استحصال، نگهداری و مصرف آب از برنامه‌های مهم مدیریت مصرف برنامه ششم توسعه بوده است (سمیعی نسب و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۱۵-۱۱۴).

۶.۲.۴. اقتصاد عدالت‌محور

عدالت‌محوری از ارکان مهم اقتصاد مقاومتی است که در نظریه اقتصاد ملی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد مقاومتی عدالت‌محور است، یعنی تنها به شاخص‌های اقتصاد سرمایه‌داری مثل رشد ملی، تولید ناخالص ملی اکتفا نمی‌کند. ممکن است تولید ناخالص ملی کشوری خیلی افزایش پیدا کند، اما کسانی هم در آن کشور از گرسنگی بمیرند. بنابراین، شاخص عدالت اقتصادی و عدالت اجتماعی در جامعه، که از شاخص‌های مهم در اقتصاد مقاومتی است، به این معنا نیست که به شاخص‌های علمی موجود دنیا بی‌اعتنایی شود، بلکه به آن شاخص‌ها هم توجه می‌شود، اما برای رعایت عدالت هم کار می‌شود. مهم‌ترین شاخص‌های عدالت‌محوری در اقتصاد مقاومتی عبارت‌اند از: ۱. درصد افراد زیر خط فقر مطلق، ۲. درصد افراد زیر خط فقر نسبی، ۳. نسبت شکاف درآمدی دهک‌های پایین با دهک‌های بالای جامعه، ۴. افرادی که به فرصت‌ها دسترسی دارند نسبت به کل افراد جامعه، ۵. فعالان اقتصادی که به فرصت‌ها دسترسی دارند نسبت به کل فعالان اقتصادی (یوسفی، ۱۳۹۵: ۳۰).

۵. نتیجه

در میان مکاتب مختلف اقتصاد سیاسی که کم و بیش در دوران معاصر مورد توجه قرار گرفته و اثرگذار بوده‌اند، نظریه جامع‌پسندی برای تبیین کامل نظری اقتصاد مقاومتی نمی‌توان یافت، اما در نظریه اقتصاد ملی فردریک لیست برخی وجوه مهم اقتصاد مقاومتی که بعد درون‌زا و ملی داشته، مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد مقاومتی در موقعیت کنونی اقتصاد ایران از حیث توجه به تفاوت وضعیت کشور در بهره‌مندی از منافع تقسیم کار بین‌المللی و تجارت آزاد در مواجهه با نظام اقتصادی دنیا، ایده‌ای مشابه رویکرد نظریه اقتصاد ملی ارائه می‌دهد، اما ریشه در ارزش‌های اسلامی دارد؛ محصورشدنی در چارچوب اقتصاد ملی نیست، هرچند در اسلام توجه به وطن و ملیت مورد توجه قرار گرفته است. همان‌گونه که در بحث ویژگی‌های اقتصاد سیاسی مقاومتی بیان شد، اقتصاد مقاومتی در مسئله تأکید بر درون‌زایی اقتصادی (سعی

در استفاده کامل از ظرفیت‌های بومی و ملی در تولید ملی) و برون‌گرایی اقتصادی (سعی در استحکام اقتصادی و تعامل فعال جهت صادرات تولید داخلی) با اقتصاد ملی مشابهت دارد، اما اتکای اقتصاد مقاومتی بر فرهنگ جهادی اسلام‌الگوی آن را متمایز از رویکرد ملی می‌نماید. همین فرهنگ است که می‌گوید اقتصاد همراه عدالت باشد، همه اقشار جامعه از آن بهره‌مند شوند و در توزیع و تولید و مصرف، اصل عدالت و اعتدال مراعات شود. در اقتصاد ملی توجه چندانی به آسیب‌پذیری‌های رفتاری امنیت اقتصادی نشده است. بنابراین، رویکرد اقتصاد مقاومتی از حیث تحلیل آسیب‌پذیری‌های امنیت اقتصادی هم از دیگر رویکردها متمایز است؛ بی‌شک رواج سبک‌های زندگی اقتصادی نامطلوب می‌تواند امنیت اقتصادی جامعه را در معرض آسیب و شکنندگی قرار دهد.

بیانیه نبود تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند که تعارض منافع وجود ندارد؛ و تمام مسائل اخلاق در پژوهش را که شامل پرهیز از دزدی ادبی، انتشار و یا ارسال بیش از یک بار مقاله، تکرار پژوهش دیگران، داده‌سازی یا جعل داده‌ها، منبع‌سازی و جعل منابع، رضایت ناآگاهانه‌ی سوژه یا پژوهش‌شونده، سوءرفتار و غیره می‌شوند، به‌طور کامل رعایت کرده‌اند.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. احمدی امویی، بهمن. (۱۳۸۲) *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: گام نو.
۲. امیری طهرانی‌زاده، سید محمدرضا. (۱۳۹۴، بهار و تابستان) «مبانی سیستمی اقتصاد مقاومتی»، *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۲، ۲۳: ۳۳-۵۲. در: http://iee.rihu.ac.ir/article_943.html (۱۵ اردیبهشت ۱۳۹۶).
۳. ترحمی، فرهاد؛ فاطمه بزازان. (۱۳۹۷) «نقد و تحلیل کتاب اقتصاد مقاومتی از نظریه تا عمل»، *پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی*، ۱۸، ۹: ۶۹-۹۲. در: https://criticalstudy.ihcs.ac.ir/article_3698_a6246f2e130e5a91f6befdf8240fb533.pdf (۱۲ اردیبهشت ۲۰۱۸).
۴. ترک‌زاده، جعفر؛ فاطمه عبدشریفی. (۱۳۹۷، پاییز و زمستان) «بافت‌نگاری اقتصاد مقاومتی به‌مثابه یک نظام رفتاری»، *مطالعات اقتصاد اسلامی*، ۱۱، ۱: ۱۴۰-۱۱۳. <DOI: 10.30497/IES.2018.2339>.
۵. حجتی اشرفی، غلامرضا. (۱۳۸۴) *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: گنج دانش.
۶. خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۸) *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱۰-۶، ۱۷ و ۱۹.
۷. دادگر، یدالله. (۱۳۸۳) *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی*. قم: دانشگاه مفید.
۸. داوودی، فیروز. (۱۳۹۵) *اقتصاد مقاومتی از نظریه تا عمل*. تهران: قرارگاه خاتم‌الانبیاء و جهاد دانشگاهی امیرکبیر.
۹. سریع‌القلم، محمود. (۱۳۹۰) *عقلانیت و توسعه‌یافتگی ایران*. تهران: فرزانه روز.
۱۰. ژید، شارل؛ شارل ریست. (۱۳۸۰) *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه کریم سنجابی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۱. سمیعی نسب، مصطفی؛ عادل پیغامی، یاسر سلیمانی. (۱۳۹۴) *جستارهایی در اقتصاد مقاومتی (مقاوم‌سازی اقتصادی در ادبیات متعارف؛ مبادی علمی و نظری): تاب‌آوری و آسیب‌پذیری*. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق، ج ۱.
۱۲. قدیری اصل، باقر. (۱۳۶۸) *سیر اندیشه‌های اقتصادی*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. لیست، فردریک. (۱۳۷۹) *نظام ملی اقتصاد سیاسی*، ترجمه ناصر معتمدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. ———. (۱۳۷۸) *اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی، تجانس‌ها و تعارض‌ها*، ترجمه عزیز کیاوند. تهران: دیدار.
۱۵. مؤمنی، فرشاد. (بهار، ۱۳۹۵) «بنیه تولید ملی؛ بررسی انتقادی برنامه‌های توسعه و عملکرد اقتصادی» *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵، ۱: ۱۶۹-۱۴۷، <DOI: 10.22059/JISR.2016.58381>.
۱۶. ———. (۱۳۹۴) *اقتصاد سیاسی توسعه در ایران امروز*. تهران: انتشارات نقش و نگار.
۱۷. نوفرستی، محمد. (۱۳۹۵). «اقتصاد مقاومتی و راه‌های دستیابی به آن» *فصلنامه سیاست‌های راهبردی و کلان*، ۴: ۱۶۸-۱۵۷. در: http://www.jmsp.ir/article_42054.html (۲۲ خرداد ۱۳۹۷).
۱۸. یوسفی، محمدعلی. (۱۳۹۵) *مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی*. تهران: انتشارات مقاومت.

ب) انگلیسی

19. Briguglio, Lino, et al. (2006, January) "Conceptualizing and Measuring Economic Resilience," Economic Department, University of Malta (*ist.psu.edu*). Available at: <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.491.3731&rep=rep1&type=pdf> (Accessed 2 August 2021).
20. Leeson, Peter T.; and J. Robert Subrick. (2006) "Robust Political Economy," *Review of Austrian Economics* 19: 107–111, <DOI: 10.1007/s11138-006-7342-7>.
21. Merriam Webster Dictionary. (n.d.) "Vulnerable," (*merriam-webster.com*). Available at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/vulnerable> (Accessed 2 June 2021).
22. Miller, Ethan. (2010) "Solidarity Economy: Key Concepts and Issues," in Emily Kawano, Tom Masterson and Jonathan Teller-Ellsberg, eds. *Solidarity Economy I: Building Alternatives for People and Planet*. Amherst, MA: Center for Popular Economics. Available at: http://www.socioeco.org/bdf_fiche-document-429_en.html (Accessed 2 June 2021).
23. Pahlke, Robert. (2005) "Sustainability as a Bridging Concept," *Conservation Biology* 19, 1: 36–38. Available at: <http://www.jstor.org/stable/3591005> (Accessed 2 July 2020).
24. World Commission on Environmental and Development (WCED). (1987) *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.



Research Paper

An Analysis of “Resistance Political Economy” within the Framework of Friedrich List’s Theory

Mohamamd Jafar Javadi Arjmand,^{1*} Ali Alizadeh²

¹ Associate Professor, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

² PhD in Political Science, Faculty of Law & Political Science, University of Tehran, Iran

Received: 15 January 2018, Accepted: 25 October 2021

© University of Tehran

Abstract

“Resistance Political Economy” (RPE) which is rooted in economic thoughts of the Islamic Revolution leaders as well as the Constitution of the Islamic Republic of Iran has attracted the attention of political economy analysts as an approach officially announced to be the national economic strategy of the Islamic Republic of Iran. Taking a different look at this issue, the present study intends to explore the features and components of RPE within the framework of Friedrich List’s theory. Based on the theory of national economy, a host of factors such as social customs, specific historical conditions as well as the functions and evolution of its economic, political and social institutions of a country or a nation influence its economic policymaking. Thus, the political and socio-economic characteristics as well as the religious tendency and historical experiences of Iran, have directed its economic system toward a particular justice-centered national economy known as RPE. It is argued that an emphasis on RPE using Iran’s national production capacities leads to the strengthening of national power and improvement of welfare. For the theoretical framework to explain the arguments set forth by the advocates of RPE, the authors use Frederick List’s theory of national economics which is based on national production and has an indigenous dimension. The domestic economy is viewed as an instrument of national empowerment and independence. List’s conceptual analysis can be very useful in explaining and analyzing the concept of RPE. This is a broad concept concerned with development at all levels, and focuses on increasing economic resilience, robustness and sustainability, while reducing economic vulnerability, dependence and fragility. The research questions include: 1. How can Iranian policymakers build resilience as Iran confronts the internal and domestic pressures for change? 2. What

* Corresponding Author Email: mjjavad@ut.ac.ir

is the most important component and characteristics of resistance political economy (RPE) within the framework of List's theory of national economy?
3. How will development based on RPE affect Iran's national power and public welfare?

First, the characteristics of the national economy from Frederick List's point of view are discussed, and then the principles and pillars of RPE as understood by Iranian top decision-makers and contained in national legal documents such the constitution are examined. Finally, the policy proposals that can help the achievement of the objectives of RPE within the country's economic structure are presented. The authors suggest the following policies for economic stability and resilience in the period before and after the occurrence of economic shocks. The policies recommended for the pre-economic shocks period include: 1. Pursuing the strategy of comparative advantage by increasing investment in industries in which Iran has superior capacities and the required resources to strive for access to regional and international markets and prevail over its competitors. 2. Diversifying export commodities and reduce its dependency on the export of raw material and natural resources such as oil and gas by investing in the development of refineries, petrochemical industries, and lucrative extractive industries. 3. Supporting knowledge-based and innovative enterprises, and investing more in new R&D projects in order to strengthen production capacity based on local knowledge. 4. Investing in education in order to improve human capital for sustainable economic growth. 5. Strengthening infrastructures against natural disasters, and addressing the issue of overpopulation of large cities as a result of internal migration through investment in projects in towns and rural areas for more balanced economic development. 6. Diversification of economic activities in all sectors particularly in agriculture in different parts of the country. Measures recommended for post-economic shocks period include: 1. Designing policies that lead to more resilience, e.g., encouraging people to participate more in the community and support measures to reduce poverty, improve the distribution of income and wealth, fight corruption, encourage privatization by increasing the share of the private sector in economic activities. 5. Planning for economic recovery projects in advance to be implemented immediately after the crisis. The findings indicate that the institutionalization of RPE with its emphasis on maximizing the use of indigenous and national capacities to strive for sustainable economic development will lead to the strengthening of national power and improvement of welfare.

Key Words: "Resistance Political Economy", Iran, Economic Resilience, Sustainable Development, Islamic Revolution

Declaration of conflicting interests

The authors declared no potential conflicts of interest with respect to the research, authorship, and/or publication of this article.

Funding

The authors received no financial support for the research, authorship, and/or publication of this article.

ORCID iDs: <https://orcid.org/0000-0001-5671-1723>

References

- Ahmadi Umayyad, Bahman. (2003) *Eghtesād-e siyāsi-ye Jomhouri-e eslāmī-'i Irān (Political Economy of the Islamic Republic of Iran)*. Tehran: Gameh No. [in Persian]
- Amiri Tehranizadeh, Seyed Mohammad Reza. (2015, Summer and Autumn) "Mabāni-ye eghtesād-e moghāvemati (Resistance Economy from Economic Systems' Point of View)," *Jostār'hā-ye eghtesādi-ye Irān (Journal of Iran's Economic Essays)*, 12, 23: 33-52. Available at: http://iee.rihu.ac.ir/article_943.html (Accessed 5 May 2017). [in Persian]
- Briguglio, Lino, et al. (2006, January) "Conceptualizing and Measuring Economic Resilience," Economic Department, University of Malta (*ist.psu.edu*). Available at: <https://citeseerx.ist.psu.edu/viewdoc/download?doi=10.1.1.491.3731&rep=rep1&type=pdf> (Accessed 2 August 2021).
- Dadgar, Yadollah. (2004) *Tārikh-e tahavolāt-e andishe-ye eghtesādi (History of Developments of Economic Thought)*. Qom: Mofid University. [in Persian]
- Davoodi, Firooz. (2016) *Eghtesād-e moghāvemati az nazarieh tā amal (Resistance Economics from Theory to Practice)*. Tehran: Khatam al-Anbiya Headquarters and Amir Kabir University Jihad. [in Persian]
- Gide, Charles; and Charles Rist. (2001) *Tārikh-e aghāyed-e eghtesādi (A History of Economic Doctrines)*, trans. Karim Sanjabi. Tehran: University of Tehran Press. [in Persian]
- Hojjati Ashrafi, Gholamreza. (2005) *Ghānun-e asāsi-ye Jomhouri-e eslāmī-'i Irān (Constitution of the Islamic Republic of Iran)*. Tehran: Ganj-e Dānesh. [in Persian]
- Khomeini, Rohollah. (1999) *Sahifeh-ye Imam: An Anthology of Imam Khomeini's Speeches, Messages, Interviews, Decrees, and Letters*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works, Vols. 10-6, 17 and 19. [in Persian]
- Leeson, Peter T.; and J. Robert Subrick. (2006) "Robust Political Economy," *Review of Austrian Economics* 19: 107–111, <DOI: 10.1007/s11138-006-7342-7>.
- List, Frederick. (1999) *Eghtesād-e melli va Eghtesād-e jahāni, tajānos'hā va taārez'hā (National Economy and World Economy, Similarities and Differences)*, tran. Aziz Kiavand. Tehran: Didar. [in Persian]
- . (2000) *Nesām-e melli-ye eghtesād-e siyāsi (The National System of Political Economy)*, trans. Nasser Motamedi. Tehran: Islamic Culture Publishing Office. [in Persian]
- Merriam Webster Dictionary. (n.d.) "Vulnerable," (*merriam-webster.com*). Available at: <https://www.merriam-webster.com/dictionary/vulnerable> (Accessed 2 June 2021).

- Miller, Ethan. (2010) "Solidarity Economy: Key Concepts and Issues," in Emily Kawano, Tom Masterson and Jonathan Teller-Ellsberg, eds. *Solidarity Economy I: Building Alternatives for People and Planet*. Amherst, MA: Center for Popular Economics. Available at: http://www.socioeco.org/bdf_fiche-document-429_en.html (Accessed 2 June 2021).
- Momeni, Farshad. (2015) *Eghtesād-e siyāsi-ye tosēh dar Īrān moāser (The Political Economy of Development in the Present-Day Iran)*. Tehran: Naghsh va negar. [in Persian]
- Momeni, Farshad. (2016, Winter) "Boniyeh-e tolid-e melli, baresi-ye enteghādi-ye barnāme'hā-ye tosēh va amalkard-e Eghtesādi (Power of National Production: A Critical Study of Developmental Programs and Economic Performance)," *Fasnāmeḥ-ye motālē'āt va tahghighāt-e ejtemā-e dar Īrān (Quarterly of Social Studies and Research in Iran)* 5, 1: 147-169, <DOI:10.22059/JISR.2016.58381>. [in Persian]
- Noferesti, Mohammad. (2016, Spring) "Eghtesād-e moghāvemati va rāh'hā-ye dastyābi b'ān (Resilient Economy and How It Could Be Achieved)," *Fasnāmeḥ-ye siyāsat'hā-ye rāhbordi va kalān (Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies)*, 4: 157-168. Available at: http://www.jmsp.ir/article_42054.html (Accessed 12 June 2018). >. [in Persian]
- Paehlke, Robert. (2005) "Sustainability as a Bridging Concept," *Conservation Biology* 19, 1: 36–38. Available at: <http://www.jstor.org/stable/3591005> (Accessed 2 July 2020).
- Qadiri Asal, Baqir (1989) *Sayr-e andishe'hā-ye eghtesādi (The Process of Economic Ideas)*. Tehran: University of Tehran Press.
- Samiee Nasab, Mostafa; Adel Payghami, and Yaser Solymani. (2015) *Jostār'hā-e dar eghtesād-e moghāvemati (moghāvem'sazi-ye eghtesādi dar adabiyāt-e moteāref; mabādi-ye elmi va nazari): tāb'āvāri va āsib'paziri (Essays on Resistance Economics (Economic Resilience in Conventional Literature; Scientific and Theoretical Foundations): Resilience and Vulnerability)*. Tehran: Imam Sadiq University Press. [in Persian]
- Sariolghalam, Mahmood. (2011) *Aghlāniyat va tose'e'yāftegi dar Īrān (Rationality and Development of Iran)*. Tehran: Farzan Rooz. [in Persian]
- Tarahami, Farhad; and Fatemeh Bazzazan. (2019, February). "Naghḍ va tahlil-e eghtesād-e moghāvemati az nazariyeh tā amal (Analysis and Book Review: Resistance Economics from Theory to Practice)," *Pazuheshnāme-ye Enteqādi-ye Motun va Barnāmeḥa-ye Ensāni (Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences)*, 18, 9: 69-92, https://criticalstudy.ihcs.ac.ir/article_3698_a6246f2e130e5a91f6befdf8240fb533.pdf (Accessed 2 May 2019). [in Persian]
- Torkzadeh, Jafar; and Fatemeh Abdesharifi. (2019, Spring) "Bāft'negāri-ye eghtesād-e moghāvemati b'masābeh-ye yek nezām-e raftāri (Recontextualizing Resistance Economy as a Behavioral System)," *Motale'at-e eghtesad-e eslami (Islamic Economics Studies Bi-Quarterly Journal)* 11, 1: 113-140, <DOI:10.30497/IES.2018.2339>. [in Persian]

- World Commission on Environmental and Development (WCED). (1987) *Our Common Future*. Oxford: Oxford University Press.
- Yousefi, Ahmand Ali. (2016) *Mabāni va model'hā-ye moshārekāt-e mardomi dar eghtesād-e moghāvemati (Foundations and Popular Participation Models in Resistance Economy)*. Tehran: Moqawama. [in Persian]



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC-BY) license.